

از سخنرانیهای هفتمین همایش تاریخ و فرهنگ ایران

ابوعلی گان
به شیوه های معماری ایرانی
نام بیگانه میزنند!

کتابخانه ملی و اسنادت فرهنگی
علمی اسنادی

شیوه‌های معماری ایرانی را به دیگران منسوب کرده‌اند
افسانه‌ها را رها سازید تا به مردم آزاده ایران بیندیشیم
چرا مهربان‌ها به آسانی تبدیل به مسجد شد

مسجد های شبستانی آغاز اسلام (با طرح اصیل ایرانی)
هنر معماری ایران با اینکه از لحاظ اهمیت - درست پس از ادب
فارسی قرار گرفته ولی هرگز بوسیله محققان ایرانی مورد توجه واقع
نشده و چنانکه در باره شعر و صنایع وابسته به آن سخن رفته از این هنر
معتبر که بسیار بزندگی مردم وابسته بوده چیزی نگفته‌اند .

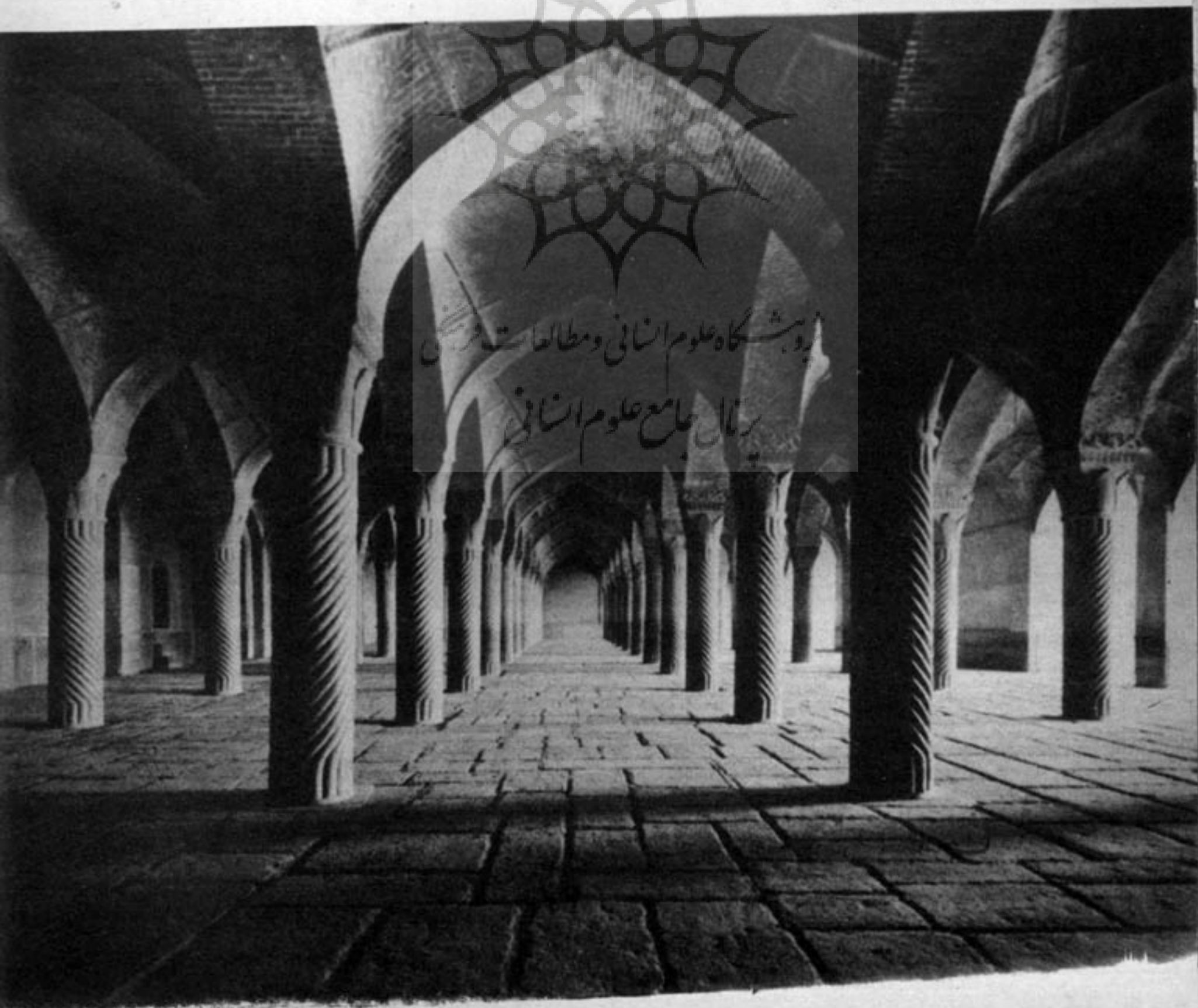
صرفنظر از چند تن انگشت‌شمار مانند ناصر خسرو علوی و ابواسحاق
ابراهیم اصطخری اگر در آثار دیگران وصفی از يك اثر معماری آمده
باشد بسیار مختصر و اغلب وصفی کاملاً شاعرانه و گاهی هم مدحی
اغراق آمیز است ، شاید این بدان علت است که هنرهای باصطلاح تجسمی
در ایران بطور سینه بسینه و از پدر و فرزند و از استاد بشاگرد منتقل
میشده و بکتاب و دفتر راه نداشته است .

در چند قرن اخیر که پای جهانگردان و هنرشناسان بایران باز شده
می‌بینیم که گهگاه وصف آثار معماری ایران در سفرنامه‌ها و سایر آثار
ایشان آمده و کم‌کم سنت شده است که شاید کارشناس معماری ایران و
هنرهای وابسته به آن الزاماً باید لیگانگان باشند و اگر گاهی هم کسی
از پژوهندگان ما از این گونه آثار نام برده ملزم بوده است که فتوای
دیگران را چاشنی سخن خود کند تا بمذاقها گوارا باشد .

هرچند که بعضی از این محققان در راه شناسائی و شناساندن هنر
ایرانی رنجهای بسیار برده‌اند و خدماتی بس ارزنده بفرهنگ ما کرده‌اند
که همیشه قدر آنها خواهیم دانست، ولی لازم نیست بگوئیم که نزدیکترین
همسایگان هم هرگز نمیتوانند خانه ما را ، چنانکه خود میشناسیم ،
بشناسند . و از اینرو شیوه‌های گوناگون معماری ما اغلب باقوامی
منسوب شده که هر يك چند صباحی براین کشور تاخته و در اینجا جا

خوش کرده‌اند ، اگر چه منظور از این نامگذاری این نبوده است که آثار ما را مثنی ویرانگر پدید آورده‌اند چون خود نیک میدانسته‌اند که بیشتر اینان پیش از درآمدن بایران هیچیک حتی خانه‌ای برای نشستن نداشته‌اند و اگر قومی هم از ایشان با فرهنگ بوده نتوانسته است فرهنگ ما را بشکند چنانکه پس از حمله اسکندر در دوره جانشینان او و پس از آن کوچکترین اثر و تاثیری از معماری یونانی در آثار خود نمی‌بینیم. یکی از این نامهای شگفت و گاهی مطایبه مانند شیوه یا سبک عربی و بخصوص طرح عربی است که برای مسجدهای شبستانی آغاز اسلام ایران بتازگی معمول شده و (چون شادروان دکتر عباس زمانی یکی از

مسجد وکیل - شیراز



استادان دانشمند ایرانی در این باره داد سخن داده (نگارنده در اینجا تنها باین توصیه اکتفا می کند که برای دریافت سابقه این گونه معماری به آیه شریفه ۸۲ از سوره نحل بقرآن مجید رجوع فرمائید .

در نیم قرن اخیر که بهمت شاهنشاه رضاشاه کبیر، ایرانی از خواب فراموشی بیدار شد کوششهای بسیاری بعمل آمد تا مردم این مرز و بوم خود را باز شناسند، کتابها و نشریاتی در باره فرهنگ و هنر و تاریخ ایران منتشر شد و چون نویسندگان ایرانی تازه بپاخاسته بودند و شاید برخی از ایشان هنوز خواب آلوده بودند دیگران به یاری ما آمدند، آثار نیاکان ما را بازشناسی و سبک سنگین کردند بر هر يك از آنها و شیوه آنها نامی گذاشتند منجمله مسجدهای شبستانی را (که موضوع سخن ماست) و طرح اصیل ایرانی دارد کتبه عربی دادند و این نوشتهها بصورت نصی درآمد که هنوز هم اجتهاد در برابر آن ممنوع است .

شاید چون بیشتر پژوهندگان بیگانه فرهنگ و هنر ایرانی (یا دست کم پیشروانشان) پیرو آئینی قومی بوده اند تصور کرده اند که دین مبین اسلام هم بیک قوم خاص تعلق دارد و دیگران از پیروی و پذیرش آن ممنوع بوده اند در صورتیکه اندک مروری در تاریخ اسلام نشان میدهد که مسلمانان از هر گروه و دسته و نژاد در این آئین بزرگ جهانی یگانه بوده اند و فرهنگ شکوهمند اسلامی بیشتر بدست مردمی آبیاری شده که بیرون از مرز و بوم عریان میزیسته اند .

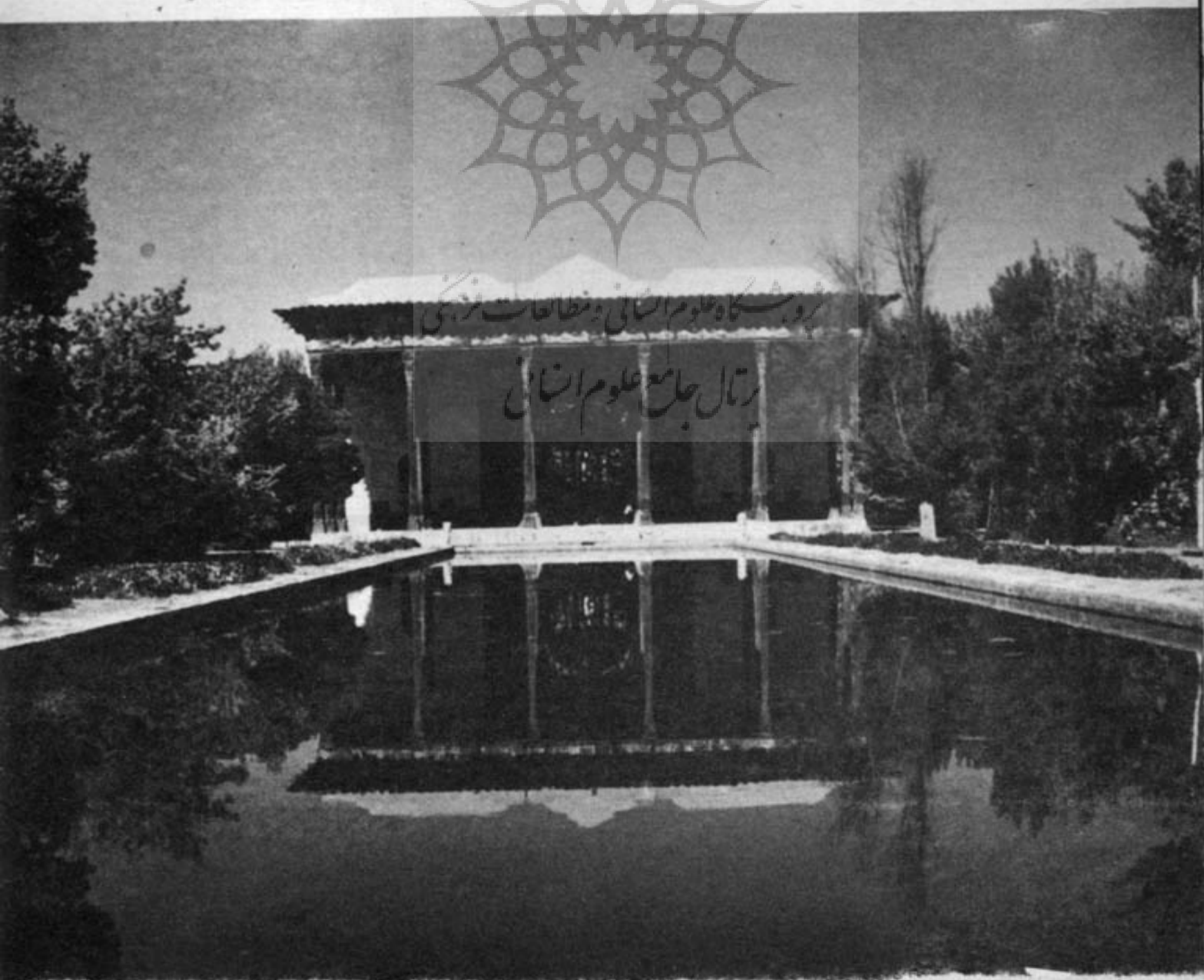
افسانه آن (بانگ را که از راه دور فرمان رزم آرائی میدهد و آن باد را که برچشم جنگاوران ریگ می پاشد) بشبهای دراز زمستان رها کنیم و باین بیندیشیم که چه شد تا مردم آزاده ایران با جان و دل به دین کنیم و باین بیندیشیم که چه شد تا مردم آزاده ایران با جان و دل بدین پاک مسلمانان گرویدند و چه پیش آمد که تن و روان خود را بفروغ آفتاب پرمهری که از باختر بر ایرانزمین تابیده بود گرم کردند ؟

نیروئی که پریروز امپراطوری بزرگ روم شرقی را درهم کوفته بود دیروز نمی توانست در برابر مشت و دندان و گرزچوبین و زویین کلوخین از پای درآید و رده سربازان جان در کفی که گروهها گروه

راه بردشمن میگرفتند به پندار برخی از یاوه‌نویسان بندیانی نبودند که
از بیم گریزشان بزنجیر کشیده شده باشند و هرچند که پس از خسرو
پرویز چندی ایران چنان شد که نباید میشد ولی یزدگرد آن جوان جانباز
و آزاده هم که برای رهائی میهنش سالها سختی و دربدری کشید و جان
برسر این کار گذاشت (و در پایان هم نام بدبخت را از همشهریانش به
پاداش گرفت) شاه سلطان حسین نبود که بدست خودتاج بر سر گردنکشی
بگذارد و دوام دولت او را بخواهد .

ایرانی از دیرباز یکتاپرست بوده و ایران‌کشوری است که هرگز
مردمش به بتها نماز نبرده‌اند نام خدای یگانه و بانگی که مردم را به نیایش

چهلستون - اصفهان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی

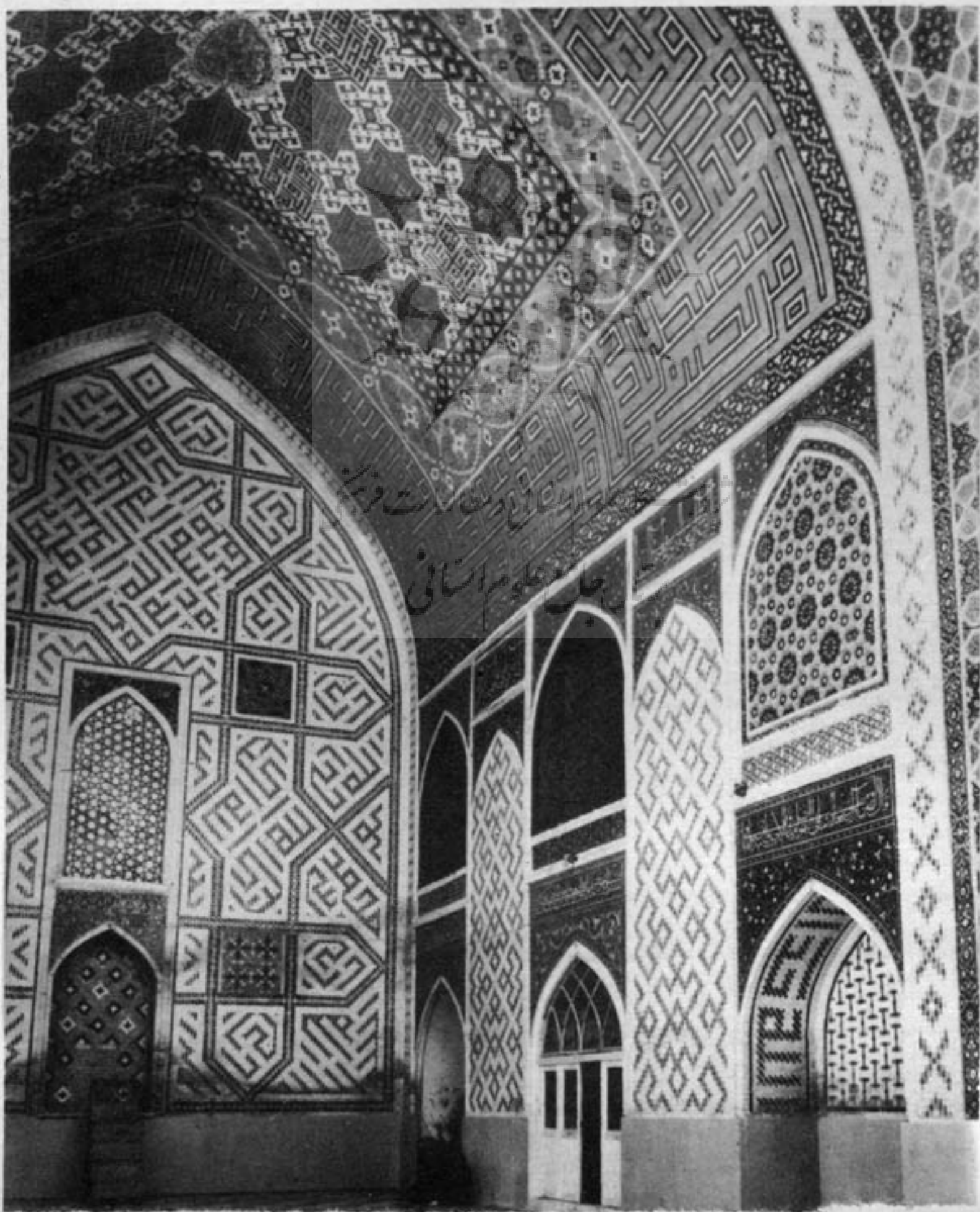


مسجد جامع - اصفهان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

او میخواند پیام آشنائی بود که نژادگان ایرانی بگوش جان شنیدند و بجان و دل پذیرفتند . خانه‌هایی را که نیاکانشان برای پرستش خدای یکتا برپا کرده بودند در آئین نوهم بهمین کار گرفته شد و همانگونه که روزگاری خدای یگانه را بنام اهورا می‌خواندند بازهم همان خدا را به نام دیگرش الله خواندند .

آتشکده یزدخواست ، آتشکده بروجرد ، مهرا به محمدیه نائین و بسیاری از پرستشگاههای دیگر به آسانی تبدیل بمسجد شد و نومسلمانان ایرانی در آنجا به نماز ایستادند و هر جا که خدا خانه‌های کهن با کلنگ نادانی ویران شده بود بر ویرانه‌های آن مسجدهائی تازه بنیاد کردند که

در آغاز چون مسجد فهرج یزد و تاریخانه دامغان بسیار ساده بوده ولی
طرحی کاملاً ایرانی داشت. در يك سوی حیاط شبستانی چهلستون و در سه
سوی دیگر سرپوشیده‌هائی یکدانه (درست مانند آنچه در تخت جمشید
در جایی که امروز بخزانه نامور شده ساخته شده بود) و در این هر دو
اثر دهانه میانی فراختر از دهانه‌های کناری بود. چیزی که ویژه شبستان
های ایرانی است و در آپدانه و کاخ شاورر شوش بخوبی میتوان دید.
در معماری پیش از اسلام ایران بشکوه بیش از هر چیز توجه
میشد و دهانه‌های میانی و باصطلاح پیشان بنا را بسیار بزرگتر میگرفتند



مسجد کوه‌رشد - مشهد

تا با مقایسه با گوشوارها و دهانه‌های پروار بهتر خودنمایی کند ولی
اسلام دین برابری بود و این شکوه را چندان نمی‌پسندید، معمار مسجد
فهرج این را خوب دریافته پهلوی دو جرزیشان دوپیلک یا نیم ستون
گذاشته تا با دهانه دیگر مساوی شود و بگفته معماران ایرانی مردم‌وار
شود.

مسجد تاریخانه چون روبروی مانند کاخ دامغان در کنار داشته
توانسته است خود را از این خودآرائی و خودنمایی بدور دارد و ناچار
پیشانش فراختر از دهانه‌های دیگر شده است.

بتازگی آثاری از طرح نخستین مسجدهائی مانند جامع اصفهان و
ساوه و یزد بدست آمده که چون از پذیرفتن نام عربی تا حد زیادی سر
باز زده بلقب عباسی مفتخر شده است با اینکه میدانیم (و اسناد آنرا در
دست داریم) که ابومسلم خراسانی در آغاز قیام خود فرمان داد تا در همه
شهرهای بزرگ ایران آنروز مانند نیشابور و مرو و اصفهان و یزد و ساوه
و شیراز مسجدهای بزرگ و باشکوهی بسازند و بویژه در نیشابور مسجدی
بهمت آن سردار نامی و مسلمان پاک بنیاد شد که در پنجگاه نماز هر بار
چندین هزار نفر در زیر سرپوشیده‌ها و شبستانهای آن نماز می‌گزارند.
آن رادمرد بزرگ خود بچنگال بچه اگرگانی که پرورده بود نامردانه
پاره پاره شد آیا درست است که نام نامی او را هم بر آن درندگان بگذاریم؟